■ داستان غصه‌های موجود تنها یک راه‌حل دارد و آن روی کار آمدن «دولت جوان حزب‌اللهی» متعهد به دوقطبی اصیل انقلاب/ استکبار است، تا بار دیگر «قطار تازه‌نفس انقلاب» را در همان ریل و مقصد نهایی که امامین انقلاب سال‌ها پیش روی ما قرار دادند و شهید سلیمانی با شهادتش بار دیگر آن را برای ما عینی و اثبات کرد به حرکت درآورد و مردم را از دوقطبی‌های غیراصیل و کاذب، که ارمغانی جز خستگی و دلزدگی ندارد و تنها زمینه‌ساز شکنندگی جامعه ایرانی می‌شود، دور کند

کدام تصاویر از عملکرد مجلس دهم در اذهان عمومی ثبت شده است

کلوزآپ یک مجلس ضعیف

گروه سیاسی: این روزها با نزدیک شدن به پروسه یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی شاهد رسیدن قطار مجلس دهم به ایستگاه‌های پایانی خود هستیم؛ مجلسی که از جهاتی می‌توان آن را فاقد هرگونه تصویر برجسته‌ای در اذهان عمومی دانست. نزدیک بودن بخش عمده نمایندگان این مجلس چه از نظر سیاسی و چه از منظر منافع مشترک پاره‌ای از نمایندگان شهرهای کوچک با دولت که اساسا همنوایی با دولت را متضمن تسریع دستیابی به امتیازات دولتی برای حوزه انتخابی خود می‌دانستند، باعث شد حسن روحانی سال آخر دولت اول خود و بیشتر عمر دولت دومش را در سایه همراهی حداکثری بهارستان تجربه کند.

بی‌عملی و یکنواختی حاصل از این فضا نیز باعث شد مجلس دهم در قیاس با سایر ادوار آن کمترین حضور تاثیرگذاری را در جریان تصمیمات کلان کشور تجربه کند و همین امر باعث حد بالایی از بیگانگی میان بدنه جامعه با نهاد پارلمانی کشور شد. بیراه نخواهد بود اگر تصویر ثبت‌شده از دوره دهم مجلس شورای اسلامی در اذهان عمومی را بیش از هر چیز تصویری از حاشیه و نطق‌های سیاسی، روزهای راحت وزرای استیضاح‌شده و اخبار مربوط به فعالیت‌های خارج از وظیفه نمایندگان بدانیم و از همین رو تصویر ثبت‌شده در حافظه جمعی مردم، چندان رویداد مثبتی از این مجلس را در خود ثبت نکرده است.

■ **حافظه جمعی مردم چه تصویری از مجلس دهم دارد؟**

علاوه بر حمله تروریستی ۱۷ خردادماه سال ۹۶ که باعث به شهادت رسیدن تعدادی از مراجعان و کارمندان مجلس شورای اسلامی شد و همچنین تصاویر نمادینی همچون عکس دسته‌جمعی نمایندگان با لباس فرم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در واکنش به تروریستی خوانده شدن این نهاد از سوی دولت ترامپ، به سختی می‌توان در حافظه جمعی ایرانیان دنبال تصویری وحدت‌بخش از مجلس دهم بود.

در حالی که ماهیت متکثر و فاقد اکثریت مجلس دهم در روزهای نخست، حسن ظن‌هایی را نسبت به فعالیت گسترده آن و تبدیل شدن به نمادی از مثبت بودن برآیند مجلس چندحزبی می‌داد اما آنچه در عمل رخ داد بی‌عملی و انفعال مثال‌زدنی این دوره از مجلس در قیاس با سایر ادوار قوه مقننه بوده است.

در چنین فضایی یکی از تصاویر مشهور ثبت‌شده در حافظه جمعی مردم از این مجلس را می‌توان صف سلفی تعداد قابل توجهی از نمایندگان حامی دولت مقابل فدریکا موگرینی مسؤول وقت سیاست خارجی اتحادیه اروپایی در حاشیه مراسم تحلیف حسن روحانی و آغاز به‌کار دولت دوم او دانست که با واکنش منفی و تند جامعه همراه شد و از آن در شبکه‌های اجتماعی با عنوان «سلفی حقارت» یاد شد؛ تصویری که هرچند در موردی خاص ثبت شد اما تبدیل به نمادی از رویکرد مجلس دهم در مواجهه با مسائل بین‌المللی شد. در میان نطق‌های نمایندگان نیز آنچه حتی بیش از چند مورد جدل قومیتی به چشم آمد، مربوط به نطق جنجالی یک نماینده اصلاح‌طلب تهران بود که در حاشیه نطقی- که زمانش مربوط به سوال از وزیر ارتباطات بود- به دفاع از پدرش که پرونده حقوقی نجومی‌اش با واکنش‌های تندی در افکار عمومی مواجه شده بود، پرداخت؛ نطقی که آن هم هرچند درباره مصداقی روشن ایراد شد اما تبدیل به نمادی از سوءاستفاده از جایگاه نمایندگی برای دفاع از مسائل و منافع شخصی یک نماینده شد و در شبکه‌های اجتماعی ذیل کلیدواژه «سفره انقلاب» با واکنش‌های تندی مواجه شد.

در همین زمینه می‌توان به نطق‌های جنجالی و ادعاهای فاقد دلیل تعداد دیگری از نمایندگان اشاره داشت اما نطق پروانه سلحشوری و دفاع عجیبش از مسعود سلطانی‌فر در اواخر دولت یازدهم نیز تبدیل به یکی از مواردی شد که در حافظه جمعی مردم به عنوان تساهل در پذیرش گزینه‌های دولت روحانی از سوی مجلس ثبت شد. وی در نطق خود با اشاره به رضایت یکی از آشنایانش از سلطانی‌فر گفت: «یکی از دوستان بنده به من گفت به خاطر خدمات آقای سلطانی‌فر در استانداری گیلان نذر کرده‌ام به هر زیارتی که می‌روم ۲ رکعت نماز برای ایشان بخوانم، آیا این برای شما (نمایندگان) کافی نیست؟» این نطق و جمله «آیا این برای شما کافی نیست؟» هم در زمره مواردی بود که در فضای عمومی و واکنش‌های فعالان مجازی مورد اشاره قرار گرفت و بعدها نیز به اشکال دیگری در جریان رای اعتماد چندباره مجلس به وزرایی که عملکردشان باعث خشم عمومی شده بود تکرار شد.

در کنار این موارد، انتشار نوع برخورد محمدباسط درازهی با یکی از کارمندان گمرک و تقاضای بررسی خارج از نوبت درخواست یکی از واردکنندگان خودروهای خارجی به کشورمان و خبر بازداشت ۲ نماینده دیگر مجلس در ارتباط با پرونده خودروسازی سایپا از دیگر مواردی بود که منجر به ثبت یک تصویر نامطلوب دیگر از مجلس دهم در حافظه جمعی مردم شد.

یکی از تصاویر مشهور ثبت‌شده در حافظه جمعی مردم را می‌توان صف سلفی تعدادی از نمایندگان حامی دولت مقابل موگرینی، مسؤول وقت سیاست خارجی اتحادیه اروپایی دانست که با واکنش منفی جامعه همراه شد و از آن در شبکه‌های اجتماعی با عنوان «سلفی حقارت» یاد شد؛ تصویری که هرچند در موردی خاص ثبت شد اما تبدیل به نمادی از رویکرد مجلس دهم در مواجهه با مسائل بین‌المللی شد

هرچند هیچ‌کدام از موارد مذکور را نمی‌توان از مصداق خود خارج دانست و به عنوان الگو و قاعده‌ای رایج به کلیت نمایندگان و مجلس دهم تعمیم داد اما قابل انکار نیست که مجموعه تصاویر ثبت‌شده از مجلس دهم در حافظه جمعی مردم حول مواردی از این دست بوده است و بی‌عملی در عرصه اصلاح قوانین و عدم واکنش نظارتی دقیق نسبت به رویه‌های جاری و عملکرد دولتمردان به شکلی کلان، قضاوت خوبی را از دوره دهم مجلس شورای اسلامی برای عموم مردم به ثبت نرسانده است.

غلبه حواشی سیاسی بر متن وظایف نمایندگی باعث شد به صورت کلی مجلس دهم حتی باعث بیگانگی میان گروه‌های مرجع اجتماعی و فعالان سیاسی با این قوه شود و در پایان دوره آن تقریبا هیچ گروه و شخصیت مطرحی حاضر به دفاع از عملکرد ۴ ساله این مجلس نشود.

■ **سرانجام امید در بهارستان**

استاندارد اصلاح‌طلبان در جریان مواجهه با ارکان قدرت در دوره‌های مختلف همواره مبتنی بر منطق قطبی‌سازی فضا و تبدیل کردن آن به بستری برای پیاده‌سازی یک «استاندارد دوگانه» بوده است، از همین رو پس از گذشت مجالس هفتم تا نهم که اقلیت محض بودن اصلاح‌طلبان ویژگی مشترک تمام آنها بوده است مجلس دهم که بیش از ۱۱۰ نامزده اصلاح‌طلب را به خود می‌دید تبدیل به میدانی برای سیاست‌ورزی بر مبنای منطق مذکور شد. هرچند اصلاح‌طلبان به‌رغم تلاش‌های رئیس فراکسیون امید موفق به کسب جایگاه ریاستی قوه مقننه نشدند اما ردپای آنها را در اکثر فعالیت‌های دوره دهم می‌توان پیدا کرد. اصلاح‌طلبان که مجلس نهم را به دو بخش قبل و بعد از روی کارآمدن دولت روحانی تقسیم کرده بودند و در بخش اول به علت به زیر نکشیدن دولت وقت آن را محکوم به وکیل‌الدوله بودن و دوره دوم را بعد از هرگونه پرسش یا مخالفت از دولت به ایستادن مقابل رای مردم محکوم می‌کردند و حتی روی کار آمدن خود را متضمن باز شدن دست روحانی و دولتمردانش برای پیاده‌سازی سیاست‌هایش می‌دانستند، عمده فعالیت خود را در این دوره ۴ ساله معطوف به حمایت از دولت در هر شرایطی و هموار کردن مسیر حرکتی آن در مواجهه با سرعت‌گیرهای نهاد نظارتی مجلس کرده بودند که یکی از مهم‌ترین علل سکون و انفعال مجلس در مواجهه با سیاست‌های ضدمعیشتی دولت روحانی محسوب می‌شوند.

محمدرضا عارف که در سال ۹۲ با انصراف از میدان انتخابات راه را برای روی کار آمدن روحانی هموار کرد مهم‌ترین کارویژه فراکسیون امید را سکوت حمایتی در مقابل دولت طراحی کرد و تا جایی پیش رفت که خردادماه سال جاری در نشست خبری خود، حد پیگیری مطالبات مردم از سوی فراکسیون امید را تا جایی که «موجب تضعیف دولت» نشود خواند. خط قرمز شدن جایگاه سیاسی دولت به عنوان بخشی از سرنوشت اصلاح‌طلبان تاثیر خود را به گونه‌ای بر مجلس گذاشت که در عمده تعامل‌های میان این دو قوه اعضای این فراکسیون تبدیل به تریبون‌های حمایتی از دولت می‌شدند. مسأله حمایت حداکثری و سیاسی فراکسیون امید از دولت روحانی درنهایت به نقطه‌ای رسید که جلال محمودزاده به عنوان یکی از اعضای این فراکسیون ماه گذشته با اشاره اعلام برائت برخی اصلاح‌طلبان از عملکرد روحانی گفت: «اینها هر چند اعلام برائت کنند، نمی‌توانند خودشان را از نقطه ضعف‌های دولت جدا کنند؛ بحث این است که اینها در موفقیت آقای روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری نقش داشتند و بعد از آن هم در بعد نظارتی همکاری نمی‌کردند در صورتی که می‌توانستند بیشتر همکاری کنند تا بتوانیم برد نظارتی مجلس را افزایش دهیم. فراکسیون امید در ناکارآمدی دولت مقصر است و اعلام برائت این فراکسیون از دولت مشکلی را حل نمی‌کند».

محمدرضا عارف که سال ۹۲ با انصراف از میدان انتخابات راه را برای روی کار آمدن روحانی هموار کرد مهم‌ترین کارویژه فراکسیون امید را سکوت حمایتی در مقابل دولت طراحی کرد و تا جایی پیش رفت که خردادماه سال جاری در نشست خبری خود، حد پیگیری مطالبات مردم از سوی فراکسیون امید را تا جایی که «موجب تضعیف دولت» نشود خواند

■ **تضعیف جایگاه پارلمان در سایه قرارداد سیاسی**

بررسی تصاویر و نمادهای ثبت‌شده از مجلس دهم در حافظه جمعی مردم و همچنین نگاه مصداقی به عملکرد فراکسیون امید به عنوان نقطه تجمیع حامیان دولت در مجلس شورای اسلامی هر چند نمی‌تواند سنجه‌ای کامل برای قضاوت و وزن‌کشی عملکرد این مجلس محسوب شود اما می‌تواند نشانی از یک نگاه کلی به نوع تعامل دوسویه مردم و ساخت قدرت سیاسی باشد، در این تعامل دوسویه از یکسو تصویری که برای افکار عمومی چه در سطح تنازعات علنی و چه در سطح نتایج فعالیت‌های مجلس مشهود است برجسته بودن رویکرد عکس یادگاری با مسوول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپایی و اصالت یافتن منافع فردی و حزبی در جریان اقدامات داخلی بود و از سوی دیگر اقرار به حفاظت از یک قرارداد سیاسی میان دولت و حامیانی که در مجلس داشته است به بهای ذبح جایگاه نمایندگی مردم مطرح است. پایان نه چندان خوش خاطره مجلس دهم در سایه انفعال نظارتی و نبود عملکرد مثبت در زمینه قانونگذاری بیش از هر چیز جایگاه و اعتبار قوه مقننه به عنوان نهادی که به مستقیم‌ترین شکل می‌تواند انعکاس‌دهنده نظرات عموم جامعه باشد را با بحران مواجه کرد.

مجلس یازدهم فارغ از هرگونه ترکیب احتمالی که به خود خواهد دید در بدو امر نیازمند احیای این اعتبار و بازتعریف نقش نظارتی و قانونگذاری‌اش در سایه استیلا یافتن تصاویر ثبت شده سال‌های اخیر در حافظه جمعی مردم ایران است.

مجلس بعدی باید زیان سال‌های اخیر را جبران کند

جواد منصوری
سفیر پیشین جمهوری اسلامی ایران در چین

عملکرد مجلس دهم در حوزه سیاست خارجی مناسب نبود و تناسبی با اهداف انقلاب، خواسته مردم و توان نیروهای انقلابی نداشت. علت هم این بود که مجلس بیشتر دنبال تسویه حساب‌های داخلی یا مقابله با جریان‌های رقیب بود و به این ترتیب موفق نشد در سیاست خارجی یک حضور پررنگ، فعال و تاثیرگذار داشته باشد. از طرف دیگر مجلس دهم تا حد زیادی در مقابل دولت منفعل بود و به این دلیل نتوانست در سیاست خارجی دولت تاثیرگذار باشد. در نتیجه، در ۴ سال گذشته دوران ضعف سیاست خارجی پس از انقلاب را تجربه کردیم. به همین خاطر برای دوره بعدی مجلس این انتظار درست و جدی وجود دارد که ان‌شاءالله افرادی انتخاب شوند که بتوانند در سیاست خارجی نقشی سازنده و موثر داشته باشند و حتی بتوانند وضعیت گذشته را جبران کنند، چون ما از این نظر زیان سنگینی را در سال‌های اخیر متحمل شدیم.

شرایط منطقه‌ای و شرایط بین‌المللی تا حدودی نسبت به گذشته تغییر کرده و شناخت این تغییر و تحولات بسیار حائز اهمیت است. همچنین گرایش به شرق باید به عنوان یک سیاست راهبردی مهم در دستور کار مجلس و دولت قرار بگیرد، چرا که در ۶ سال گذشته سیاست نگاه به غرب دولت هیچ دستاوردی برای ما نداشته است و در آینده هم نخواهد داشت. از سوی دیگر در شرق یکسری امکانات مناسب‌تری برای روابط گسترده در همه زمینه‌ها برای جمهوری اسلامی فراهم است. نکته دیگری که حائز اهمیت است اینکه ما در ارتباط و تجارت با همسایگان‌مان در سال‌های اخیر واقعا عقب‌ماندگی‌های بسیار شدیدی داریم، در حالی که امکانات و فرصت‌های فوق‌العاده‌ای در آسیای مرکزی، اوراسیا، کشورهای شرقی، ترکیه و عراق و شرق آفریقا در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی برای ما وجود داشته و دارد. اینها متاسفانه در سال‌های اخیر مغفول مانده و با بی‌توجهی مواجه شده است. در این شرایط مجلس دهم نیز اقدامی جهت اصلاح این رویه دولت در سیاست خارجی انجام نداد.

به نظر بنده در مجلس آینده قطعا باید افراد باتجربه از کارآمدان سیاسی، بویژه دارای تجربیات عملی در راس کار قرار بگیرند تا بتوانند به دولت کمک کنند در جهت منافع انقلاب، روابط خارجی مناسبی را در دستور کار قرار دهد و بیشترین آورده را برای منافع ملی را داشته باشد.

مجلس یازدهم ان‌شاءالله باید رویکرد نگاه به شرق، گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با همسایگان و همچنین روابط گسترده با کشورهای آفریقایی را مدنظر قرار دهد، یعنی دقیقا حوزه‌هایی که در مجلس دهم تقریبا فراموش شدند. از طرف دیگر مجلس یازدهم باید یک تجدیدنظر جدی در روابط جمهوری اسلامی با آمریکا و اروپا داشته باشد و آن را به دولت منتقل کند.

در پایان باید بگویم مجلس دهم در حوزه سیاست خارجی مجلسی منفعل بود و هیچ‌گونه تعامل فعال و برخورد جدی با دولت نداشت و به همین دلیل هم عملا تحرک مناسبی در حوزه سیاست خارجی ما در راستای منافع ملی شکل نگرفت.

داستان اختلاف ۲ بینش در جمهوری اسلامی

یادداشت

فاطمه صابری*: شهید بهشتی ۲۲ اسفندماه ۱۳۵۹ در نامه‌ای محرمانه به امام خمینی(ره) به «اختلاف ۲ بینش» در اداره امور جمهوری اسلامی اشاره و تأکید می‌کنند: «اگر این اختلاف بینش در اداره امور جمهوری اسلامی ادامه یابد، نه کارهای جاری مردم سر و سامان پیدا می‌کند، نه مشکلات موجود دینی و فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی این مردم رنج‌دیده و محروم و ایثارگر با سرعت و قاطعیت کافی حل می‌شود، و نه می‌توان برای آینده، طرح‌های اصیل اسلامی ریخت و به مرحله عمل درآورد؛ و تنها راه را برای نفوذ بی‌مبالات‌ها یا کم‌مبالات‌ها در همه سطوح مدیریت امت اسلامی و حاکم شدن آنها بر سرنوشت انقلاب هموار می‌سازد».[1] این نامه مهم و قابل تأمل چند ماه بعد با ترور ایشان و حاکم شدن سایه جنگ بر کشور، گویا در بایگانی اسناد انقلاب به فراموشی سپرده می‌شود و پرونده «اختلاف بینشی» در جمهوری اسلامی نه‌تنها مختومه نمی‌شود، بلکه در هنگامه آمدن و رفتن دولت‌ها، همچون آتش زیر خاکستر در هر دوره شعله‌ور می‌شود و با ظهور دوقطبی‌های غیراصیل، «گفتمان اصیل انقلاب اسلامی» و دوقطبی «انقلاب-استکبار» را با چالش مواجه می‌کند.

■ **سرانجام دوقطبی‌های کاذب**

در دهه ۶۰ فضای جامعه به‌واسطه «دوگانه انقلابی و ضد انقلابی» معنا و تعریف می‌شد، که طیف‌های مختلفی از گروه‌های شبه‌مارکسیستی یا شبه‌اسلامی چون مجاهدین خلق و سلطنت‌طلب‌ها و گروه‌های تجزیه‌طلب قومیتی و... را دربر می‌گرفت اما به‌تدریج، این دوگانه کنار نهاده شد و دوگانه‌های دیگری از جمله دوگانه «انقلابی و غیرانقلابی» از همه برجسته‌تر شد.

جریان غیرانقلابی که چند طیف مختلف را در دل خود دارد، «انقلاب اسلامی» را امری مقطعی، موقتی، تک‌مرحله‌ای و دفعی برمی‌شمرند، که در ۲۲ بهمن ۵۷ به پیروزی رسید و آنها همین تاریخ را، نقطه پایان انقلاب هم به‌شمار می‌آورند. آنها معتقدند پس از سقوط حکومت پهلوی، باید انقلاب را «تمام‌شده» فرض کرد و به‌طور کامل، از شرایط و مقتضیات انقلابی، خارج شد. بعد از اختلاف بینش میان جریان موسوم به «خط امام» با جریان «دولت موقت» به نخست‌وزیری «مهدی بازرگان» و نیز اختلاف «ابوالحسن بنی‌صدر» با «جریان حزب‌اللهی» بر سر اتمام و استمرار انقلابی‌گری در اداره امور جاری کشور، این تفکر و نگرش به انقلاب اسلامی در دهه‌های بعد از جنگ نیز با نفوذ تصمیم‌سازانی غیرانقلابی در دولت‌های مستقر در جمهوری اسلامی ادامه پیدا کرد، و آنها توانستند با شیبی ملایم و حرکتی خزنده، خطوط قرمز انقلاب را، در چند راهبرد مشخص و نهایی، یکی پس از دیگری نادیده بگیرند. تلاش‌های این جریان غیرانقلابی معطوف به چندین محور مهم بود:

۱- نفی استمرار «انقلابی‌گری» با القای یکی بودن آن با «تندروی»، «افراطی‌گری»، «احساسی‌گرایی» و... .

۲- طرح مفاهیمی چون «اصلاح‌طلبی» و «جامعه مدنی» به جای «انقلابی‌گری» و «جامعه انقلابی» با طرح این شبهه که جامعه انقلابی تهی از انضباط، نظم، وحدت، قانون، مدیریت و سازندگی است.

۳- بر اساس دوگانه «نهضت» و «نهاد»، باید «نظام جمهوری اسلامی» را جایگزین «انقلاب اسلامی» دانست تا با تفسیری از سیرت نظام، بتوان با آن انقلاب اسلامی را درون نظام بین‌الملل هضم کرد؛ و از این به بعد «جمهوری اسلامی» بر اساس چارچوب‌ها و قواعد حاکم و جاری در نظام بین‌الملل، جایگاه خود را تعریف کند و تعاملاتش را بر اساس اعتبار و توان سیاسی، علمی و اقتصادی خود شکل دهد.۲

۴- صرف‌نظر کردن از برخی «اصول و مبانی و پایه‌های اصلی انقلاب» همچون استقلال‌خواهی، ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی و عدالتخواهی با این ادعا که این موارد نافی «عقلانیت» است.

اما باید پرسید چرا بعد از یک دهه از عمر انقلاب، در همان زمان که رویش‌ها جدید انقلابی در حال جوانه زدن هستند، برخی افراد مؤثر انقلاب کم‌کم از «مکتب امام» و دوقطبی اصیل «انقلاب-استکبار» فاصله می‌گیرند؟ بهتر است برای پاسخ به این سؤال به اوایل دهه ۶۰ سفر کنیم، همان دهه مهم و مملو از شیفتگان و تربیت‌شدگان مکتب خمینی؛ دهه‌ای بی‌نظیر در تاریخ معاصر ایران که انسان‌های متفاوتی را از دل خود متولد کرد ولی متأسفانه جمع کثیری از این انسان‌ها توسط منافقین و جنگ تحمیلی صدام، شهید شده و از میان ما رفتند و استمرار فکر و اندیشه نهفته در انقلاب اسلامی را با خلأ نیروی فکری و فیزیکی تراز انقلاب مواجه کردند. اما در میان این تربیت‌شدگان مکتب خمینی، افرادی نیز بودند که شیفته انقلاب و امام بودند ولی علت حضورشان تنها و غالباً «غلیان احساسات جوانی و شور انقلابی» در جامعه بود؛ « همان دانشجوی مسلمان که دانشگاه را فتح کرد، لانه جاسوسی را فتح کرد، اما خودش از درون مغلوب شد... چراکه دچار ضعف تحلیل و محتوا بودند؛ ...هیجانات بر آنها حاکم بود، آن هم خیلی تند... واقعاً ارتدکس بودند... و برای همین در یک نقطه حساسی ضربه خوردند».[2]

اما در همین مقطع حساس تاریخ انقلاب که «شیفتگان جوان خمینی» به ۲ دسته هیجانی و مکتبی تقسیم می‌شدند، شاهد هستیم برخی «خواص اول انقلاب» هم مجمعی به نام «مجمع عقلا» در مجلس شورای اسلامی راه انداخته و در آنجا از «بر سر عقل آوردن انقلاب» و اتمام جنگ تحمیلی سخن می‌گویند؛ که این گفتمان مخالفت جدی امام(ره) را به همراه می‌آورد. اما سرانجام این عقلایی که خود را صاحب «شعور انقلابی» می‌دانستند و شعارهایی چون «جنگ جنگ تا پیروزی» را در «شور انقلابی» منحصر می‌دانستند، در سال‌های پایانی جنگ، زمینه‌ها را برای تصویب قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل آماده کردند و اینگونه با پایان یافتن جنگ و نیز با رحلت امام خمینی(ره) و فروکش کردن «هیجانات و احساسات انقلابی»، برخی جوانان و دانشجویان و خواص انقلاب‌کرده طی دهه‌های بعد از انقلاب به «آدم‌های پشیمان، خسته و آدم‌های هوسی- که با هوس، حرکتی را انجام می‌دهند، بعد دنبال زندگی راحت خودشان که می‌گردند، هوس‌های‌شان عوض می‌شود – تبدیل شدند».[4] و این غفلت میان برخی از افراد مؤثر در انقلاب و نظام جمهوری اسلامی باعث شد کم‌کم زمینه‌ها را برای جابه‌جایی دوقطبی انقلاب- استکبار با گفتمان‌های وارداتی، که در سازوبرگ‌های جدیدی در فضای کشور بازتولید و در جامعه ترویج می‌شدند، ایجاد کنند.

■ **چرا انقلاب اسلامی به دولت جوان حزب‌اللهی نیازمند است؟**

دوقطبی «چپ و راست اسلامی»، دوقطبی «اصلاح‌طلبی- اصولگرایی»، دوقطبی «عدالتخواهی- توسعه‌گرایی» یا «فقرا- اغنیا»، دوقطبی‌های غیراصیل بودند که همگی در اندیشه‌ها و برداشت‌های بینابین اسلام و گفتمان‌های رایج در جهان امروز شکل گرفته‌اند. همان نکته مهم و روشنگرانه‌ای که شهید بهشتی در نامه‌ای محرمانه به امام خمینی(ره) از آن پرده‌برداری کرده و در آن نامه می‌نویسند: «دوگانگی موجود میان مدیران کشور بیش از آن که جنبه شخصی داشته باشد، به اختلاف ۲ بینش مربوط می‌شود. یک بینش معتقد و ملتزم به فقاهت و اجتهاد، اجتهادی که در عین زنده بودن و پویا بودن، باید سخت ملتزم به وحی و تعهد در برابر کتاب و سنت باشد، بینش دیگر در پی اندیشه‌ها و برداشت‌های بینابین، که نه به‌کلی از وحی بریده است و نه آن‌چنان که باید و شاید در برابر آن متعهد و پایبند، و گفته‌ها و نوشته‌ها و کرده‌ها بر این موضوع بینابین گواه».

این روایت مختصر از داستان «اختلاف ۲ بینش» در جمهوری اسلامی بود که سرانجامش ظهور دوقطبی‌های غیراصیل در این ۴۰ سال بود؛ اما همان‌طور که رهبر انقلاب در دیدار رمضانی خود با دانشجویان مطرح کردند، داستان غصه‌های موجود تنها یک راه‌حل دارد و آن روی کار آمدن «دولت جوان حزب‌اللهی» متخصص و متعهد به دوقطبی اصیل انقلاب- استکبار است، تا بار دیگر دولت جوان حزب‌اللهی، «قطار تازه‌نفس انقلاب» را در همان ریل و مقصد نهایی که امامین انقلاب سال‌ها پیش روی ما قرار دادند و شهید حاج قاسم سلیمانی با شهادتش بار دیگر آن را برای ما عینی و اثبات کرد، به حرکت درآورد و مردم را از دوقطبی‌های غیراصیل و کاذب، که ارمغانی جز خستگی و دلزدگی ندارد و تنها زمینه‌ساز شکنندگی جامعه ایرانی می‌شوند، دور کند.

*دانش‌آموخته ارشد فلسفه اخلاق

■ **پی‌نوشت‌ها**

۱- نامه تاریخی شهید بهشتی به امام خمینی(ره) در جریان غائله بنی‌صدر در تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۲۲

۲- روحانی، حسن؛ « ثروت ملی یا قدرت ملی» فصلنامه راهبرد؛ شماره سی‌ونهم؛ بهار ۱۳۸۵، ص ۱۳

۳- بیانات رهبری در دیدار دانشجویان- ۱۳۹۶/۳/۱۷

۴- بیانات رهبری در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان- ۱۳۸۷/۸/۸